موضوع: حکم اکتفا به سلام دوم/ سلام/ واجبات نماز

فهرست مطالب:

[ادامه بررسی جواز اکتفا به سلام دوم «السلام علینا...» 1](#_Toc181445908)

[ادله قول تخییر 1](#_Toc181445909)

[صحیحه حلبی 1](#_Toc181445910)

[اشکال آقای بروجردی 1](#_Toc181445911)

[جواب 1](#_Toc181445912)

[روایت ابی کهمس 1](#_Toc181445913)

[موثقه ابی بصیر 1](#_Toc181445914)

[اشکال آقای بروجردی 1](#_Toc181445915)

[جواب 1](#_Toc181445916)

[روایت محض الاسلام 1](#_Toc181445917)

[اشکال آقای بروجردی 1](#_Toc181445918)

[جواب 1](#_Toc181445919)

[روایت ابی بصیر 1](#_Toc181445920)

بسم الله الرحمن الرحیم

و له صيغتان، هما: «السّلام علينا و على عباد اللّه الصالحين»، و «السّلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته»، و الواجب إحداهما، فإن قدّم الصيغة الاولى كانت الثانية مستحبّة، بمعنى كونها جزءا مستحبّيّا لا خارجا، و إن قدّم الثانية اقتصر عليها.[[1]](#footnote-2)

# ادامه بررسی جواز اکتفا به سلام دوم «السلام علینا...»

## ادله قول تخییر

### صحیحه حلبی

نسبت به جواز اکتفا به سلام دوم یعنی « السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» به صحیحه حلبی استدلال شده که در آن آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كُلُّ مَا ذَكَرْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ النَّبِيَّ ص فَهُوَ مِنَ الصَّلَاةِ وَ إِنْ قُلْتَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ- فَقَدِ انْصَرَفْتَ.[[2]](#footnote-3)

مرحوم آقای خوئی فرمودند اطلاق «فَقَدِ انْصَرَفْتَ» شامل سلام در رکعت آخر نماز شده و ‌اختصاصی به گفتن «السلام علینا» در غیر محل آن -مثل تشهد اول یا تشهد اخیر قبل از شهادتین که متعارف بین عامه هست- ندارد، زیرا عامه در ابتدای تشهد «الصلوات الطیبات الزاکیات لله» گفته سپس «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» و بعد شهادتین را می‌‌گویند. در نتیجه و لو مثل شیعه «السلام علینا» در انتهای نماز گفته شود اطلاق «فَقَدِ انْصَرَفْتَ» شامل آن می‌شود که به این معناست که از نماز خارج شدی.

### اشکال آقای بروجردی

آقای بروجردی در تبیان[[3]](#footnote-4) و در نهایة التقریر[[4]](#footnote-5) فرمودند: «فَقَدِ انْصَرَفْتَ» در اینکه «السلام علینا» محلل از محرمات نماز است، ظهور ندارد. اینکه «السلام علینا» موجب انصراف است، ممکن است به این دلیل باشد که کلام آدمی است و در نتیجه اهل سنت که در تشهد رکعت دوم «السلام علینا» می‌‌گفتند یا در تشهد رکعت اخیر قبل از شهادتین «السلام علینا» می‌‌گفتند، نماز‌شان فاسد می‌‌شد. با این بیان، مفاد صحیحه حلبی نظیر مفاد روایت میسره است که فرمود:«شَيْئَانِ يُفْسِدُ النَّاسُ بِهِمَا صَلَاتَهُمْ قَوْلُ الرَّجُلِ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ تَعَالَى جَدُّكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ وَ إِنَّمَا هُوَ شَيْ‏ءٌ قَالَتْهُ الْجِنُّ بِجَهَالَةٍ فَحَكَى اللَّهُ عَنْهُمْ وَ قَوْلُ الرَّجُلِ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»[[5]](#footnote-6) که در مرسلۀ صدوق نیز مشابه همین مطلب نقل شده: «أَفْسَدَ ابْنُ مَسْعُودٍ عَلَى النَّاسِ صَلَاتَهُمْ بِشَيْئَيْنِ بِقَوْلِهِ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ وَ تَعَالَى جَدُّكَ وَ هَذَا شَيْ‏ءٌ قَالَتْهُ الْجِنُّ بِجَهَالَةٍ فَحَكَى اللَّهُ عَنْهَا وَ بِقَوْلِهِ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» ‏[[6]](#footnote-7) بعد صدوق می‌‌گوید «یعنی فی التشهد الاول».

### جواب

فرمایش آقای بروجردی روشن نیست. اگر مقصود ایشان این است که جو فقهی بین عامه مانع از اطلاق صحیحه حلبی نسبت به «السلام علینا» در محل خودش یعنی رکعت اخیره می‌شود، این مطلب خالی از وجه نیست. بلکه محتمل است که در این روایت می‌خواهند بفرمایند که هر چه ذکر الله و ذکر الرسول در تشهد گفته شود اشکالی ندارد ولی گفتن «السلام علینا» موجب انصراف می‌شود؛ یعنی می‌خواهد بفرماید شما کاری که عامه انجام می‌دهند، انجام ندهید که موجب خروج از نماز می‌شود. اما اشکال آقای خویی این است که اطلاق روایت شامل «السلام علینا» که در محل خودش یعنی رکعت اخیره و بعد از تشهد آورده شده، نیز می‌شود و در اینجا نمی‌توان گفت که «السلام علینا» موجب خروج از نماز و بطلان نماز می‌شود؛ بلکه آنجا انصراف از نماز، مساوق با صحت نماز و خروج صحیح از نماز است.

اگر مقصود آقای بروجردی این است که روایت نسبت به رکعت اخیره هم اطلاق دارد ولی «فقد انصرفت» ظهور ندارد در اینکه این سلام، موجب تحلیل محرمات نماز می‌شود؛ بسیار غیر عرفی است. زیرا اگر اطلاق را بپذیریم، ظاهر «فقد انصرفت»، «انصرفت عن الصلاة» است و اینکه گفته شود که هنوز جزء واجب اخیر نماز یعنی «السلام علیکم» بیان نشده و در نتیجه هنوز در اثنای نماز هستید با «فقد انصرفت» سازگار نیست.

به نظر می‌رسد باید روی همان نکته اول تأکید کرد که معلوم نیست روایت اطلاق داشته باشد و محتمل است که ناظر به فعل عامه که «السلام علینا» را در غیر محل خود می‌آوردند، باشد. در جواب کسانی که در قبال این ادعای انصراف، به اطلاق تمسک می‌کنند گفته می‌شود همان‌طور که آقای سیستانی بیان فرمودند باید جو فقهی عامه را در زمان صدور این روایت در نظر گرفت که اصل این بیان نیز از آقای بروجردی است و کلام صحیحی است.[[7]](#footnote-8)

### روایت ابی کهمس

رویات دیگر روایت ابی کهمس بود که در آن آمده است: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَعْقُوبَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ إِذَا جَلَسْتُ فِيهِمَا لِلتَّشَهُّدِ فَقُلْتُ وَ أَنَا جَالِسٌ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ- انْصِرَافٌ هُوَ قَالَ لَا وَ لَكِنْ إِذَا قُلْتَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ فَهُوَ الِانْصِرَافُ.[[8]](#footnote-9)

این روایت تصریح دارد چرا که ذکر «الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ» برای این است که بگوید هنوز نماز تمام نشده است و اطلاق ندارد که شامل نماز صبح بشود و گرنه می‌فرمود «اذا جلست للتشهد». در این روایت نیز روشن است که مربوط به «السلام علینا» که خاصه در رکعت اخیره نماز می‌خوانند، نمی‌شود.

### موثقه ابی بصیر

روایت سومی که مورد استدلال قرار گرفته و مهم تر از دو روایت سابق است موثقه ابی بصیر است: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ قَالَ: إِذَا نَسِيَ الرَّجُلُ أَنْ يُسَلِّمَ فَإِذَا وَلَّى وَجْهَهُ عَنِ الْقِبْلَةِ وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ- فَقَدْ فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ[[9]](#footnote-10).

تعبیر «یسلم» در «إِذَا نَسِيَ الرَّجُلُ أَنْ يُسَلِّمَ» انصراف به «السلام علیکم» دارد؛ آقای خویی در تقریب استدلال به روایت می‌فرماید: درصورتی که «السلام علیکم» را فراموش کرد، اگر انحراف یسیر از قبله پیدا کند -یعنی صورت را مقداری از قبله برگرداند شبیه کاری که اهل سنت انجام می‌دهند- و بگوید «السلام علینا و علی عبادالله الصالحین»، نماز او تمام شده است. بنابراین لازم نیست که حتما «السلام علیکم» گفته شود. در اینجا لفظ «فرغ» آمده که یعنی از نماز فارغ شده و نماز او تمام شده است و مانند لفظ «انصراف» نیست که گفته شود بر ابطال نماز و اتیان به منافیات هم صدق می‌کند[[10]](#footnote-11).

### اشکال آقای بروجردی

آقای بروجردی در مورد موثقه ابی بصیر فرموده: این حدیث مضطرب است. ایشان چهار احتمال در حدیث مطرح می‌کنند:

احتمال اول اینکه مقصود از « ولی وجهه عن القبلة» انحراف یسیر باشد و «واو» در «و قال السلام علینا» واو حالیه باشد که همان چیزی است که آقای خوئی استظهار کردندإ یعنی در حالیکه انحراف یسیر از قبل پیدا کرده «السلام علیکم» نگفته ولی «السلام علینا» را گفته است. طبق این احتمال روایت دلالت می‌کند بر اینکه «السلام علینا» کافی است زیرا انحراف یسیر است و اگر کافی نبود باید «السلام علیکم» را می‌گفت.

احتمال دوم این‌که انحراف یسیر مراد باشد ولی «واو» در آن واو حالیه نباشد، یعنی «اذا انحرف عن القبلة انحرافا یسیرا ثم قال السلام علینا و علی عباد الله الصالحین فقد فرغ من صلاته». طبق این احتمال نیز «السلام علینا» موجب خروج از نماز می‌‌شود. ممکن است گفته شود که چرا فرموده «اذا ولی وجهه یسیرا» برای کفایت السلام علینا چنین شرطی لازم نیست که ممکن است در جواب گفته شود انحراف یسیر مستحب است مانند کاری که اهل سنت انجام می‌دهند که مقداری صورتشان را به طرف راست می‌چرخانند به شکلی که افراد پشت سر را ببیند در روایات شیعه نیز وارد شده لذا از این جهت مشکلی ندارد.

آقای بروجردی فرموده که این دو احتمال خلاف ظاهر هستند؛ زیرا ظاهر «ولی وجهه عن القبله» انحراف کامل از قبله است. اگر کسی به طرف غرب یا شرق ایستاده و تنها صورتش را به طرف قبله کند «فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ»[[11]](#footnote-12) صادق نیست. «ولی وجهه الیه» یعنی رو به اوکرد، «ولی وجهه عن القبله» یعنی مقادیم بدنش را از قبله برگرداند نه اینکه تنها صورتش را برگرداند.

احتمال سوم این است که مقصود از «ولی وجهه عن القبلة» انحراف بسیار از قبله باشد یعنی «استدبر عن القبلة» و واو هم حالیه باشد. طبق این احتمال روایت می‌گوید اگر کسی فراموش کند «السلام علیکم» بگوید و بعد از استدبار از قبله یادش بیاید که در آن حال السلام علینا گفته است نماز او صحیح است. ایشان می‌فرماید این حکمی خلاف قاعده است؛ زیرا طبق قاعده چه «السلام علینا» گفته باشد و چه نگفته باشد حدیث «لاتعاد» جاری است.[[12]](#footnote-13) طبق این احتمال مفهوم روایت این می‌‌شود که اگر استدبار قبله نکرده باشد «السلام علینا» بگوید کافی نیست و باید «السلام علیکم» بگوید. این معنا، خلاف قول به تخییر است.

احتمال چهارم این است ک مقصود از «ولی وجهه» انحراف کثیر باشد و «واو» در روایت واو حالیه نباشد. یعنی اگر انحراف از قبله پیدا کرده و بعد از انحراف «السلام علینا» بگوید از نماز خارج شده و نماز درست است. التزام به اینکه کسی که بعد از پشت به قبله کردن ملتفت شده که سلام نداده، باید «السلام علینا» بگوید، مشکل است. اگر هم اینطور باشد ربطی به جواز اکتفا به «السلام علینا» در حال اختیار ندارد. [[13]](#footnote-14)

### جواب

واو حالیه خلاف ظاهر است. نظیر این تعبیر در مورد حضرت یعقوب آمده است: «وَ تَوَلَّى عَنْهُمْ وَ قالَ يا أَسَفى‏ عَلى‏ يُوسُفَ وَ ابْيَضَّتْ عَيْناهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظيمٌ»[[14]](#footnote-15). اینکه گفته شود مراد این است که پشت کرد به آن‌ها در حالی که قبلا این‌طور گفته بود، عرفی نیست. «تولی عنهم و قال» یعنی اول پشت کرد به آن‌ها بعد این جمله را گفت. در اینجا نیز «فاذا ولی وجهه عن القبلة و قال السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین» یعنی بعد از انحراف از قبله «السلام علینا» را بگوید.

اما اینکه ایشان فرمود ظاهر «اذا ولی عن القبله» انحراف کثیر است، تمام نیست؛ زیرا بین «ولی عن القبله» و «ولی وجهه عن القبله» تفاوت وجود دارد در ولی عن القبله یا تولی عنهم چنین است ولی در «ولی وجهه عن القبله» قرینه دارد و عرف عامه هم قرینه است که مراد انحراف یسیر و همان انحراف به وجه است. در اینجا امام ع بر یکی از مستحبات تأکید فرمودند که یک مقدار صورتت را به سمت راست منحرف کن و «السلام علینا» بگو، و این قابل التزام است.

بنابراین به نظر ما دلالت روایت بر مخرج بودن «السلام علینا» بی اشکال است. مورد روایت در جایی است که محل باقی است و موالات عرفیه وجود دارد ولی محل متعارف آن گذشته است و «السلام علیکم» را که مستحب است و متعارف است را فراموش کرده است[[15]](#footnote-16) در چنین فرضی می‌گوید اصراری بر گفتن آن نیست و همین که «السلام علینا» بگوید کافی است. روایت نمی‌خواهد ترغیب کند که در حالت عادی «السلام علیکم» نگویید بلکه یک حالت استثنایی است که دخیل در حکم شرعی الزامی نیست و همچنین دلالت نمی‌کند که حتما مقدار یسیر انحراف از قبله پیدا کن بلکه می‌گوید اگر چنین کند و «السلام علینا» بگوید نماز تمام می‌شود.

### روایت محض الاسلام

روایت دیگر روایتی است که در عیون اخبار الرضا آمده و همان روایت محض الاسلام است:

«وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يَقُولَ فِي التَّشَهُّدِ الْأَوَّلِ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ لِأَنَّ تَحْلِيلَ الصَّلَاةِ التَّسْلِيمُ ُ فَإِذَا قُلْتَ هَذَا فَقَدْ سَلَّمْتَ»[[16]](#footnote-17)

می‌‌گوید مبادا در تشهد اول «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» بگویی چون تسلیم محلل نماز است، وقتی «السلام علینا» تسلیم کردی؛ یعنی همان «تحلیلها التسلیم» شامل «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» می‌‌شود، در این روایت «فقد انصرفت» نیامده تا این اشکال مطرح شود که ممکن است انصراف به فعل منافی انجام بشود. وقتی می‌گوید تحلیلها التسلیم، چه تحلیل تکلیفی باشد یعنی اتیان به منافی مانند استدبار قبله حلال می‌شود و چه تحلیل وضعی بگیریم که بعد از آن اتیان به منافی مبطل نماز نیست بگیریم ظاهر روایت این است که چون نماز تمام شده چنین است، در ذیل روایت هم می‌فرماید: «فَإِذَا قُلْتَ هَذَا فَقَدْ سَلَّمْتَ».

### اشکال آقای بروجردی

آقای بروجردی فرموده اند: سند روایت ضعیف است[[17]](#footnote-18). شبیه اشکالی که آقای سیستانی دارند. ایشان از نظر دلالی نیز دلالت آن را ضعیف می‌دانند و می‌فرمایند شاید منشأ اینکه گفته شده: «تحلیل الصلاة التسلیم فاذا قلت هذا فقد سلمت» این بوده که «السلام علینا» کلام آدمی است و از این جهت شبیه «السلام علیکم» است. هر دو اگر در غیر محل خود گفته شود نماز را باطل می‌کنند. اما در آخر نماز با یکدیگر متفاوت هستند. «‌السلام علیکم» کلام آدمی است و واقعا محلل است اما «السلام علینا» اگرچه کلام آدمی است ولی شبه محلل است و در انتهای نماز محلل نیست[[18]](#footnote-19).

### جواب

نسبت به اشکال سندی اینگونه به ذهن می‌آید که ایشان به روایت علل که از نظر سندی مشابه روایت محض الاسلامی در عیون است اعتماد می‌کرد؛ سند روایت علل و رساله محض الاسلام یکی است و هر دو دارای سه سند مشابه هستند[[19]](#footnote-20).

اما نسبت به اشکال دلالی، انصاف این است که فرمایش ایشان عرفی نیست. دلالت روایت بسیار روشن است. امام ع می‌فرمایند: در تشهد اول «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» نگویید چون تسلیم محلل نماز است. ظاهر «فَإِذَا قُلْتَ هَذَا فَقَدْ سَلَّمْتَ» این است که با گفتن «السلام علینا» نماز تمام شده است و چون «السلام علینا» محلل است در غیر محل خود نباید آورده شود مثلا در رکعت دوم نماز سه یا چهار رکعتی نباید گفته شود. ظاهر روایت این است که محلل است نه محلل نما و شبه محلل که فقط از این جهت که اگر در اثنای نماز عمدا بگوید مبطل است.

مشکل آقای بروجردی این است که ایشان اکتفای به «السلام علینا» را خلاف مشهور می‌دانند و می‌فرمایند به خاطر یک روایت نمی‌توان مخالفت با مشهور کرد. مشهور بین اصحاب این بود که «السلام علینا» کافی نیست و این قول که «السلام علینا» کافی است، بین عامه[[20]](#footnote-21) و خاصه قول شاذی است. به همین دلیل ایشان می‌فرمایند که به خاطر این روایت ما نمی‌توانیم حرف خلاف مشهور بزنیم.

درست است که مشهور بین قدما این قول بوده که «السلام علینا» کافی نیست، ولی از زمان محقق به بعد قول به تخییر مشهور شد. ایشان نسبت به روایات ماء البئر چه می‌گویند که مشهور تا زمان علامۀ حلی این بود که آب چاه با ملاقات نجس منفعل می‌‌شود؟ علامۀ حلی فتوا را عوض کرد و نوعا از زمان علامه قائل به همین قول بوده و الآن هم مشهور شده که «ماء البئر واسع لا یفسده شیء» هرچند آقای خوانساری به‌خاطر فتوای مشهور به عدم اعتصام آب چاه، احتیاط می‌‌کرد[[21]](#footnote-22). این‌که مشهور قدما چه می‌فرمودند دلیل نمی‌شود، خود ایشان می‌فرمایند در مسائل استنباطیه و تفریعیه ما تابع مشهور نیستیم[[22]](#footnote-23).

به نظر ما این روایت هم از نظر سند و هم از نظر دلالت خوب است.

### روایت ابی بصیر

وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كُنْتَ إِمَاماً فَإِنَّمَا التَّسْلِيمُ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى النَّبِيِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ تَقُولَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ- فَإِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدِ انْقَطَعَتِ الصَّلَاةُ ثُمَّ تُؤْذِنَ الْقَوْمَ فَتَقُولَ وَ أَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ كَذَلِكَ إِذَا كُنْتَ وَحْدَكَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ- مِثْلَ مَا سَلَّمْتَ وَ أَنْتَ إِمَامٌ فَإِذَا كُنْتَ فِي جَمَاعَةٍ فَقُلْ مِثْلَ مَا قُلْتَ وَ سَلِّمْ عَلَى مَنْ عَلَى يَمِينِكَ وَ شِمَالِكَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى شِمَالِكَ أَحَدٌ فَسَلِّمْ عَلَى الَّذِينَ عَلَى يَمِينِكَ وَ لَا تَدَعِ التَّسْلِيمَ عَلَى يَمِينِكَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى شِمَالِكَ أَحَدٌ.[[23]](#footnote-24)

این روایت در مورد سلام امام و ماموم و منفرد است.

راجع به این روایت انشاءالله در جلسه آینده بحث می‌‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.

1. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 407 [↑](#footnote-ref-2)
2. وسائل الشيعة، ج‏6، ص: 426 [↑](#footnote-ref-3)
3. تبیان الصلاة 6: 109 [↑](#footnote-ref-4)
4. نهایة التقریر 2: 306 [↑](#footnote-ref-5)
5. وسائل الشیعة 6: 409 [↑](#footnote-ref-6)
6. وسائل الشیعه 6: 410. [↑](#footnote-ref-7)
7. بر اساس همین نکته در مورد «أَيُّمَا ذِمِّيٍّ اشْتَرَى مِنْ مُسْلِمٍ أَرْضاً فَإِنَّ عَلَيْهِ الْخُمُسَ» بر خلاف نظر مشهور که فرمودند: اگر کافر ذمی زمینی را از مسلمان بخرد یک پنجم آن زمین را امام به عنوان خمس می گیرد، گفتیم که این روایت در یک جو فقهی صادر شده که بین عامه اختلاف بود که اگر کافر ذمی که جزیه اش یک دهم است زمین کشاورزی را از یک مسلمان بخرد و محصول به دست بیاورد باید همان یک دهم را جزیه بدهد یا جزیه او مضاعف می‌شود بنابراین این روایت در مورد جزیه است و به دلیل وجود ما یصلح للقرینیه که جو فقهی عامه باشد «ففیه الخمس» اطلاق ندارد که گفته شود که در مورد مسئله خمس است. احتمال اینکه این حکم جنبه سیاسی داشته باشد وجود دارد که از زمین هایی که از مسلمان خریده شده دو برابر جزیه گرفته شود که دیگر از مسلمین زمین نخرند که قضیه ای مشابه فلسطین رخ ندهد. در مورد صحیحه حلبی نیز جو فقهی عامه ما یصلح للقرینیه است و لذا اطلاق ندارد. [↑](#footnote-ref-8)
8. وسائل الشيعة ‏6: 426. [↑](#footnote-ref-9)
9. وسائل الشيعة ‏6: 423. [↑](#footnote-ref-10)
10. موسوعة الامام الخوئي 15: 327. [↑](#footnote-ref-11)
11. بقره 144 [↑](#footnote-ref-12)
12. البته ایشان بعدا نظرشان عوض شده و در جای دیگر فرموده اند: اگر قبل از سلام، اتیان به منافی کند و بعد متذکر بشود که سلام را فراموش کرده است، حدیث لاتعاد جاری نیست. [↑](#footnote-ref-13)
13. تبیان الصلاة 6: 110 ففي هذا احتمالان، فتارة يكون مفروض كلامه ما إذا ولى عن القبلة بيسير بحيث لم يتحقّق الانحراف المبطل للصّلاة و المنافى لها، و تارة يكون مفروض الكلام هو إذا ولى عن القبلة بحيث تحقق المنافي.

    فإن كان الأوّل، و لم يكن الواو في قوله بعده (و قال السّلام علينا) الواو الحالية، فيكون مفاد الرواية أنّه إذا نسى الرجل التسليم و ولى عن القبلة، لكن لا بمقدار يكون منافيا مع الصّلاة، و قال بعد ما ولى (السلام علينا) فقد فرغ من صلاته، فيكون مفادها هو حصول الفراغ من الصّلاة باتيان (السلام علينا) فتدل الرواية على كونه مخرجا في هذا الفرض.و لكن هذا خلاف ظاهر الرواية لأنّ‌ ظاهر قوله (ولى عن القبلة) هو الاستدبار عنها و إن كان الواو الواقع قبل قوله (السلام علينا) حالية يكون المراد أنّه إذا نسى و ولى بمقدار لم يكن منافيا مع الصّلاة، و الحال أنه قال (السلام علينا) قبل ان ولى وجهه عن القبلة، فقد فرغ من صلاته، فيكون مفاد الرواية هو الفراغ من الصّلاة في صورة نسيان السّلام إذا قرء (السلام علينا) قبل التولية عن القبلة. و على هذا تدلّ‌ الرواية على كون السّلام المخرج غير (السلام علينا) و لكن اكتفي في هذه الصورة (بالسلام علينا).

    و إن كان الثاني أعنى: يكون المراد من (ولى عن القبلة) هو التولية عنها بحيث تحقق المنافي، و لم تكن الواو في قوله (و قال السّلام علينا) حالية، فيكون المراد أنّه إذا نسي السّلام و ولى عن القبلة بحيث تحقق المنافي و (قال السّلام علينا) بعد ذلك، فقد فرغ من الصّلاة.فيشكل الأخذ بهذا الاحتمال، لأنّه بعد حصول المنافي بالاستدبار و تذكر نسيان السلام، فقد فرغ من الصّلاة و صلاته مجزية لحديث (لا تعاد) سواء يأتي بعد ذلك (بالسلام علينا) أو لم يأت به، و أمّا لو كان المراد من (ولى) هو التولية عن القبلة و كانت الواو في قوله (و قال السّلام علينا) حالية، فيكون المراد هو أنّه إذا نسي السلام و الحال أنّه قال (السلام علينا) ثمّ‌ بعد ما ولى و انحرف عن القبلة و تحقق المنافي، فقد فرغ من الصّلاة، فتدلّ‌ الرواية على كفاية (السلام علينا) لو نسى السّلام المحلل، و يستفاد من الرواية كون السّلام المحلل غير (السلام علينا) و كفاية (السلام علينا) عنه في حال النسيان.فعلى هذا الاحتمال لا بدّ من الالتزام أوّلا بكفاية (السلام علينا) و كونه مخرجا في صورة نسيان (السلام عليكم) و ثانيا لا بدّ من الالتزام بأنّه لو نسي (السلام عليكم) و لم يأت (بالسلام علينا) أيضا و تحقق المنافي فلم يفرغ من صلاته، و تكون صلاته فاسدة، مع أنّ‌ حديث (لا تعاد) يدلّ‌ على عدم الاعادة و صحة بنسيان السّلام سواء أتى (بالسلام علينا) أو لم يأت به لو تذكر بعد فعل المنافي، و الالتزام به مشكل، فتأمل. [↑](#footnote-ref-14)
14. یوسف: 84. [↑](#footnote-ref-15)
15. نسیان با باقی بودن محل سازگار است مانند کسی که بعد از غسل قبل از اینکه لباس هایش را بپوشد به یاد می آورد که دست چپ را نشسته است در اینجا می گوید: فراموش کردم که دست چپم را بشورم، با اینکه محل عرفی و موالات عرفی باقی است و بعد می رود و دست چپش را می‌شورد. [↑](#footnote-ref-16)
16. عيون أخبار الرضا عليه السلام 2: 123 [↑](#footnote-ref-17)
17. تبیان الصلاة 6: 114. على كل حال سند الرواية ضعيف [↑](#footnote-ref-18)
18. تبیان الصلاة 6: 113. [↑](#footnote-ref-19)
19. عيون أخبار الرضا عليه السلام 2: 121؛ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُبْدُوسٍ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِنَيْسَابُورَ فِي شَعْبَانَ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ قَالَ. همان 2: 127؛ حَدَّثَنِي بِذَلِكَ حَمْزَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو نَصْرٍ قَنْبَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ شَاذَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَا ع. همان؛ و حدثنا الحاكم أبو محمد جعفر بن نعيم بن شاذان رضي الله عنه عن عمه أبي عبد الله محمد بن شاذان عن الفضل بن شاذان عن الرضا ع. [↑](#footnote-ref-20)
20. عامه و اتباع ابوحنیفه ممکن بود که با احداث حدث از نماز خارج بشوند اما با «السلام علینا» از نماز خارج نمی‌شدند. [↑](#footnote-ref-21)
21. مدارک الاحکام 1: 38. [↑](#footnote-ref-22)
22. نهاية الأصول 544. [↑](#footnote-ref-23)
23. وسائل الشيعة ‏6: 421. [↑](#footnote-ref-24)